

# هوالبهی - ای دوستان الهی شمس حقیقت نیر اعظم افق مبین...

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



۱۳۷

هوالبهی

ای دوستان الهی شمس حقیقت نیر اعظم افق مبین چون در مشرق اعلی طلوع فرمود اشعه ساطعه اش آفاق  
کیهان را رشک روضه جنان و غبطه جنت رضوان فرمود. حرارت شعاع چون به سورت تمام تابید اراضی و  
حدائق حقائق موجودات انبات گل و ریاحین و سنبل و نسیرین کمالات انسانی کرد. طرف جویبار سبز و خرم  
شد و ساحت چمن مزین به سرو و سمن گردیده ببلان الهی درس مقامات معنوی آغاز نمودند و عندلیبان رحمانی  
با نغمه و ساز معانی دمساز گشتند و سلطان گل در صحن چمن افسر شاهنشاهی بر سر نهاد و آغاز ناز و دلبری  
نمود. طیور سحری رسم آشفتهگی و دلدادگی گذاشتند و نغمه انقطاع و آزادگی نواختند و به تجید مطلع توحید  
دهان باز نمودند و زاغان گلخنی رسم ستمگری بیشتر نمودند و غرابان ظلمانی آهنگ جفا کاری کردند و بر  
اعتراض و انکار لب گشودند و دام حیل گذاشتند و صد هزار گونه ظلم و تعدی نمودند.

آن گل صد برگ خندان چون این ظلم و عدوان مشاهده فرمود به گلشن اصلی خویش شتافت و به  
ملکوت تنزیه و تقدیس بتاخت و با جمال خود نزد محبت باخت و عالم را بر چشم طیور حقیقه توحید  
تنگ و تاریک فرمود. لهذا ببلان گزار حقیقی آهنگ گلشن باقی دارند و عندلیبان بقا هوای گلبن  
رحمانی در سر گرفتند هر یک به کمال شوق آرزوی صعود و عروج دارد و تجمل فراق و اشتیاق نیارد.  
پس اگر فی الحقیقه دلدادۀ آن دلبریم و آشفته آن روی انور باید از جهان و جهانیان بیزار شویم و آهنگ



ORIGINAL



AUDIO

آن گلزار نمائیم. لکن رجوع به دو قسم است، یک رجوع خاک به ساحت لولاک است و رجوع دیگر رجوع شعاع به آفتاب. اگر به خدمت امر موفق گردیم و به نشر نفعات الله پردازیم و در اعلاء کلمة الله بکوشیم و چون نسائم صبحگاهی بر بلاد الله مرور نمائیم و مرده را جان تازه بخشیم و پژمرده را نشاط و انبساط بی اندازه دهیم هیاکل جهل را به معین علم دلالت نمائیم و حقائق غافله را متنبه کنیم و خفتگان را بیدار نمائیم آن وقت چون سلاطین با شوکت و شکوه و لشکر انبوه طبل و دهل بکوبیم و از افق ادنی به ملکوت ابری شتاییم و ندای جانفزای الهی را به تحسین تمام از جبروت اعلی شنویم. آن رجوع رجوع ذره به آفتاب است و عود بلبل به گلزار و السلام علی من اتبع الهدی. عبدالبهاء ع

